



با صحیفه سجاده آشنا شویم

سید جواد حسینی

در جریان قیام امام حسین علیه السلام، در سرزمین کربلا حضور داشت و پس از آن فاجعه دردناک به امامت رسید و با توجه به وضعیت زمان و اختناق حاکم در آن دوران، اقدام به یک سلسله برنامه‌های ارشادی و فرهنگی و مبارزات غیرمستقیم نمود، بدون آنکه حساسیت حکومتها را برانگیزد و فعالیتهایی انجام داد که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

علی بن حسین بن علی علیه السلام چهارمین امام شیعیان، در سال ۳۸ هجری قمری، روز سوم شعبان دیده به جهان گشود. نام مادرش شهربانو، «شهر بانویه» «شاه زنان» و... و مشهورترین القاب آن حضرت «زین العابدین» و «سجاده» می‌باشد. دوران کودکی را در مدینه سپری کرد، و مدت دو سال از امامت جدش، امیرمؤمنان علیه السلام و ده سال از امامت عمویش، امام حسن مجتبی علیه السلام و ده سال از امامت پدر بزرگوارش، امام حسین علیه السلام را درک نمود.^۱

در محرم سال ۶۱ هجری قمری

۱. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، (تهران، مکتبه الصدوق)، ۱۳۸۱ ه. ق، ج ۱، ص ۴۶۷، و شیخ مفید، الارشاد، (قم، مکتبه بصیرتی)، ص ۲۵۶.

۱. زنده نگه داشتن یاد و خاطره عاشورا و رساندن پیام آن به مردم آن زمان؛

۲. پند و ارشاد امت؛

۳. تبیین معارف از طریق دعا و مناجات.

* کتابهای منسوب به امام

سجاد علیه السلام

دوران امام سجاد علیه السلام، با توجه به برنامه‌های پیش گفته حضرت، طبیعتاً درخشش فرهنگ تشیع شمرده می‌شود و حدیث و دعا رونقی دیگر می‌یابد.

در این دوره، آثار مکتوب بر جای مانده از امام سجاد علیه السلام بسیار است.

در شمارش نوشته‌های به جا مانده از این امام همام به کتبی بر می‌خوریم که برخی از آنها از این قرار است:

۱. صحیفه سجادیه؛ (که مقاله حاضر، در ادامه به معرّفی این اثر می‌پردازد.)

۲. مناسک الحج: یکی دیگر از کتب آن حضرت است که فرزندان آن حضرت این کتاب را نقل کرده‌اند و در بغداد نیز به چاپ رسیده است.^۱

۳. رساله حقوق: از دیگر آثار گرانسنگ آن حضرت که جامع آداب سلوک فردی و اجتماعی است و محور شرح و بسط زیادی قرار گرفته است، رساله حقوق آن حضرت است.^۲

۴. الجامع فی الفقه: عنوان یکی دیگر از آثار آن حضرت است که ابو حمزه ثمالی نقل کرده است.^۳

۵. صحیفه الزهد: کتاب دیگری است که توسط ابو حمزه ثمالی نقل شده است.^۴

۶. کتاب دیگری که توسط داود بن عیسی از آن حضرت نقل شده، کتاب حدیثی است که امام سجاد علیه السلام آن را گردآوری نموده است.^۵

۷. کتاب علی بن الحسین علیه السلام: عنوان کتاب دیگری است که در ضمن

۱. سید محمد رضا حسینی جلالی، تدوین السنه الشریفه، (مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۱۸ق)، ص ۱۵۱.

۲. علی بن شعبه، تحف العقول، (بیروت، مؤسسة الاعلمی، ۱۳۹۴ق)، ص ۲۵۵.

۳. ابوالعباس نجاشی، رجال النجاشی، (قم، مکتبه الداوری)، ص ۱۱۶.

۴. الکافی، (دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶)، ج ۸، ص ۱۷.

۵. رجال النجاشی، همان، ص ۱۵۷.

مصادر از آن یاد شده است.^۱ آنچه در پیش رو دارید، قدمی است در معرفی صحیفه سجادیه، بدان امید که جامعه ما، مخصوصاً جوانان عزیز با این کتاب آشنایی بیشتری پیدا کنند و از دریای معرفت آن، گوهرها به دست آورند، و دنیا و آخرت خویش را با انس گرفتن با آن برای همیشه آباد کنند.

* صحیفه سجادیه را بشناسیم

مدت سیزده قرن است که کتاب صحیفه سجادیه مونس بزرگان زهاد و صالحان و مرجع و ملجأ مشاهیر علما و مصنفان بوده و هست. برای آشنایی با این گنج معنوی بحث را در چند بخش پی می‌گیریم.

(الف) سند صحیفه

از نظر سندی، صحیفه سجادیه در حد توأتر بلکه فوق آن است، شیخ آقا بزرگ تهرانی در این باره می‌گوید:

«الصَّحِيفَةُ الْأُولَى الْمُنْتَهَى سَنَدُهَا إِلَى الْأِمَامِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ... وَ هِيَ مِنَ الْمَتَوَاتِرَاتِ عِنْدَ الْأَصْحَابِ لِإِخْتِصَاصِهَا بِالْإِجَازَةِ وَالرَّوَايَةِ فِي كُلِّ طَبَقَةٍ وَعَصْرِ...»^۲

صحیفه اولی که سند آن به امام

زین العابدین علیه السلام می‌رسد... از متواترات [و قطعیات] نزد اصحاب است؛ چرا که از ویژگی آن، این است [که تمام اصحاب از اساتید خود] اجازه نقل آن را در تمام طبقات [رجالی] و در تمام عصرها گرفته‌اند.» کار شهرت سند صحیفه به جایی رسیده که مرحوم محمد تقی مجلسی ادعا نموده است که او در نقل و روایت صحیفه یک میلیون سند دارد.^۳ و همین طور شیخ محمد بن نعمان مفید (م ۴۱۳) در ارشاد و علی بن محمد خزاز قمی، شاگرد صدوق بن بابویه (م ۳۸۱) و احمد بن عیاشی (م ۴۰۱) و ابوالفضل شیبانی، و... آن را نقل نموده‌اند، و از علمای اهل سنت نیز، ابن جوزی در خصائص الائمة، و حافظ سلیمان بن ابراهیم القندوزی (م ۱۲۹۴) در یتابع الموده از صحیفه

۱. همان، ص ۱۱۵-۱۱۶.

۲. آقا بزرگ تهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، (تهران، المكتبة الاسلامیه)، ج ۱۵، ص ۱۸-۱۹.

۳. صحیفه سجادیه، ترجمه سید صدرالدین بلاغی، با مقدمه‌ای از آیت الله مرعشی نجفی، (تهران، دارالکتب الاسلامیه)، ص ۹ مقدمه.

- اسم برده، بخشهایی از دعای آن را نقل نموده‌اند.^۱
- ابوالفضل شیبانی سندش به این صورت است: حدیث کرد ما را عامر بن عیسی بن عامر سیرافی در مکه در سال ۳۸۱، و گفت: حدیث کرد مرا ابو محمد حسن بن محمد بن یحیی بن حسن بن جعفر بن عبیدالله بن حسین بن علی بن ابیطالب علیه السلام، گفت: حدیث کرد مرا پدرم و او از عمیر بن متوکل، او از پدرش متوکل بن هارون و او از یحیی بن زید، پس از شهادت پدرش در حالی که به سوی خراسان در حرکت بود و مردی را به پایه و عقل او ندیدم... که او صحیفه کامله‌ای را که دعاهای علی بن الحسین علیه السلام در آن بود، به من نشان داد.^۲
- گذشته از کتب تاریخی و رجالی، هیچ کتاب دعای معتبری از دعاهای صحیفه سجادیه خالی نیست، مانند: ۱. «مصباح المتعجد» شیخ طوسی (۳۸۵ - ۴۶۰).
۲. «سلوک الحزین» قطب الدین بن سعید بن هبة الله راوندی (م ۵۷۳) که کتابش مشهور به «دعوات الراوندی»
- می‌باشد.
۳. «اختیار المصباح» از سید علی بن حسین بن باقی.
۴. «اقبال و جمال الاسبوع و فتح الابواب» سید رضی الدین علی بن طاووس (م ۵۸۹).
۵. «زوائد الفوائد» ابوالقاسم علی بن رضی الدین.
۶. «البلد الامین» ابراهیم بن علی کفعمی (م ۸۶۸) و....
- از همه آنها گذشته، علامه مجلسی اول، به نقل آیت الله مرعشی نجفی، در بسیاری از اجازات خود اشاره کرده که او صحیفه را شفاهاً و بلاواسطه از حضرت حجة بن الحسن صاحب الزمان علیه السلام نقل می‌کند. مجلسی می‌گوید:
- «در بین خواب و بیداری دیدم که گویا در مسجد جامع عتیق اصفهان ایستاده‌ام و حضرت مهدی علیه السلام نیز

۱. ر.ک: سلیمان بن ابراهیم قندوزی، منابع المودة، (نجف، مکتبه الحیدریه، ۱۳۸۴ هـ ۱۹۶۵ م) ج ۱ - ۲، ص ۵۹۹.

۲. مقدمه آیت الله مرعشی بر صحیفه سجادیه، (همان)، ص ۸-۹، مقدمه.

الزمان به من مرحمت فرموده بود، درست مطابق نسخه صحیفه شهید می باشد.^۱

ب) نامه‌های صحیفه سجادیه

معروف است که «صحیفه سجادیه» پس از قرآن و نهج البلاغه بزرگ‌ترین گنجینه گرانبهای حقایق و معارف الهی به شمار می‌رود و به نقل شیخ آقا بزرگ تهرانی به آن «اخت القرآن»: خواهر قرآن، «انجیل اهل بیت»، «زبور آل محمد» و «صحیفه کامله» نیز گفته می‌شود،^۲ و قندوزی نیز چنین تعبیر نموده است:

«فی ایراد بغض الأذعیة والمناجاة التي تكون في الصحیفه الكامله للإمام الهمام زين العابدين... وهی زبور اهل البيت الطيبين علیهم السلام؛^۳ در بیان بعضی دعاها و مناجاتهایی که در صحیفه کامله امام زین العابدین علیه السلام آمده است... و آن زبور اهل بیت پاک است.»

و علت اینکه آن را «صحیفه کامله» نامیده‌اند، این است که در نزد طایفه

ایستاده بود. من چند مسئله را که برایم مشکل شده بود، از محضر آن حضرت پرسیدم، پس جواب آن را برایم بیان فرمود. آنگاه از کتابی که به آن عمل کنم سؤال کردم و آن حضرت مرا به مولانا محمد التاج حواله داد و من [نزد او رفتم] و از او کتابی گرفتم، به نظر آمد که آن کتاب دعا بود، پس آن را بوسیدم و بر چشم نهادم، ولی وقتی به خویش آمدم [و از خواب بیدار شدم] آن کتاب را در دست خود نیافتم، پس تا صبح گریه کردم، فردای آن روز به دنبال «محمد تاج» راه افتادم تا رسیدم به «دارالبطیخ»، مرد صالحی را که آقا حسن نام و «تاجا» لقب داشت دیدم، به او سلام کردم، او مرا فرا خواند و به کتابخانه خود برد، اولین کتابی که به دست من داد، همان کتابی بود که در خواب دیده بودم، آنگاه شروع نمودم به گریه و گفتم همین کتاب مرا بس است. و از آنجا به نزد شیخ محمد مدرس رفتم و به مقابله آن نسخه با نسخه‌ای که جد پدر محمد مدرس از روی نسخه شهید نوشته بود، پرداختم. دیدم نسخه‌ای که حضرت صاحب

۱. همان، ص ۲۷-۲۹ مقدمه، با تلخیص و تغییر.

۲. الذریعه، همان، ج ۱۵، ص ۱۸-۱۹.

۳. ینابیع الموده (همان)، ص ۵۹۹.

۴. شرح سید افسح الدین محمد شیرازی.

۵. شرح مولا تاج الدین مشهور به (تاجا).

۶. شرح مفتی، میر محمد عباس جزائری (م ۱۳۰۶).

۷. شرح مولی حبیب الله کاشانی.

۸. شرح ابن مفتاح ابوالحسن عبدالله بن ابی القاسم بن مفتاح الزیدی الیمنی.

۹. شرح مولی خلیل قزوینی.

۱۰. شرح آقاهادی ابن مولا صالح مازندرانی.

۱۱. شرح مولا محمد طاهر بن حسین شیرازی.

۱۲. شرح سید محسن بن قاسم بن اسحاق صنعانی یمنی زیدی از علمای

قرن ۱۳.

۱۳. شرح سید محسن بن احمد

شامی حسنی یمنی زیدی (متوفای

۱. مقدمه آیت الله مرعشی نجفی بر صحیفه، (همان)، ص ۴۶ مقدمه.

۲. الذریعه، (همان)، ج ۳، ص ۳۴۵-۳۵۹.

۳. مانند ترجمه الهی قمشه‌ای، فیض الاسلام، ابوالحسن شعرانی، محمد آیتی، و ترجمه سید احمد فهری و حسین انصاریان و ...

«زیدیّه» از صحیفه نسخه‌ای هست که کامل نیست، بلکه در حدود نصف صحیفه موجود می‌باشد. به این جهت، به صحیفه موجود [در دست شیعیان دوازده امامی] صحیفه کامله گفته شده است.^۱

ج) شرحهای صحیفه

مرحوم علامه «شیخ آقا بزرگ تهرانی» در کتاب الذریعه در حدود پنجاه شرح - غیر از ترجمه‌ها - بر صحیفه سجادیه نام برده است.^۲

علاوه بر این شرحها، گروهی از دانشمندان گذشته و معاصر، ترجمه‌های متعددی^۳ بر صحیفه نگاشته‌اند، که در این بخش به عنوان نمونه به برخی شرحها اشاره می‌کنیم:

۱. «الازهار اللطیفه فی شرح مفردات الصحیفه»، تالیف سید علامه محمد رضا اعرجی حسینی.

۲. شرح میرزا محمد مشهدی جمال الدین طوسی صاحب دقائق التنزیل.

۳. شرح محمد علی بن محمد نصیر چهاردهی رشتی (م ۱۳۳۴)، صاحب کتاب «شرح الوقت و القبلة».

۶. «صحیفه سابعه» که توسط شیخ هادی بن عباس آل کاشف الغطاء نجفی، صاحب کتاب مستدرک نوشته شده است.
۷. «صحیفه ثامنه»، تألیف حاج میرزا علی حسینی مرعشی شهرستانی حائری.
۸. «ملحقات صحیفه»، مؤلف آن شیخ محمد، معروف به تقی زیابادی قزوینی می‌باشد که از شاگردان برجسته مرحوم شیخ بهایی بوده و ملحقات را در سال ۱۰۲۳ به پایان رسانده است.^۲
- ه) جایگاه صحیفه نزد علما
- دعاهای صحیفه علاوه بر حسن بلاغت و کمال فصاحت از علوم الهی و معارف یقینی برخوردار است که عقلها در مقابل آن رام است و فحول علما در مقابل آن سر تسلیم و خضوع فرود آورده‌اند.
- این حقیقت برای صاحب‌دلان حقیقت‌بین بانگاهی به صحیفه آشکار
۱. همان، ص ۳۴۵-۳۵۹ و ر.ک: مقدمه آیت الله مرعشی نجفی، (همان)، ص ۳۳-۳۵ مقدمه.
۲. همان، ص ۴۱-۴۳.
۱۴. شرح سید جمال الدین کوبانی یعنی الاصل ساکن هند (م ۱۳۳۹).^۱
- د) مستدرکات صحیفه
- عده‌ای از علما و دانشمندان مستدرکاتی بر صحیفه نوشته‌اند. مقصود از این مستدرکات، دعاهای منسوب به حضرت سجاد علیه السلام است که در صحیفه کامله نیامده است. در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود:
۱. «صحیفه ثانیه»، تألیف شیخ محمد بن حسن الحرّ العاملی، صاحب وسائل الشیعه.
۲. «صحیفه ثالثه»، گردآوری شده توسط مورخ و رجالی معروف، میرزا عبدالله افندی، صاحب کتاب ریاض العلماء.
۳. «صحیفه رابعه»، تألیف محدث میرزا حسین نوری طبرسی.
۴. «صحیفه خامسه»، علامه محسن امین حسینی عاملی.
۵. «صحیفه سادسه»، تألیف شیخ محمد باقر بن محمد حسن بیرجندی قائینی.

گرانیهای جاوید که از موارث نبوت است، دست نیافته بودیم، من هر چه در آن می‌نگرم آن را از گفتار مخلوق برتر و از خالق پایین‌تر می‌یابم.^۲

تعجب از این مفسر معاصر است که لااقل به منابع اهل سنت به دقت توجه نکرده؛ چرا که امثال قندوزی قسمتهایی از صحیفه سجادیه را در کتابهای خود نقل نموده‌اند.^۳

۳. از میرزا هادی مشهدی ذاکر نقل شده که ابن جوزی در «خصائص الاثمه» چنین گفته است: «اگر امیرالمؤمنین علی علیه السلام نبود، توحید مسلمانان و عقاید ایشان کامل نمی‌شد؛ زیرا آنچه پیغمبر اکرم بیان فرمود، اصول عقاید و فروع مهم دین بود، ولی دقائق عقائد را [همچون صفات ذات و فعل، و عینیت صفات با ذات را] مسلمانان مدیون و ریزه خوار خوان نعمت امیرالمؤمنین علیه السلام و شاگردان او

می‌گردد؛ زیرا عبارات صحیفه خود بیانگر آن است که فوق کلام مخلوق و پایین‌تر از کلام خالق است؛ لذا هم از دسترس اوهام جاعلان برتر و بالاتر است و هم علما و بزرگان سخت بدان توجه و از آن ستایش کرده‌اند که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

۱. ابن شهر آشوب (م ۵۸۸) در کتاب مناقب خود می‌گوید: «وقتی در بصره نزد یکی از بلغاء از فصاحت صحیفه کامله سخن به میان آمد، او گفت: من هم می‌توانم مانند آن را بر شما املاء و بیان کنم. آنگاه قلم برداشت و سر به زیر افکند [و هیچ جمله‌ای نتوانست به زبان آورد] و در همان حال سرافکنندگی از دنیا رفت.^۱»

۲. در سال ۱۳۵۳ هـ ق مرحوم

آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله نسخه‌ای از صحیفه سجادیه را برای طنطاوی، دانشمند اهل سنت و مؤلف تفسیر طنطاوی (مفتی اسکندریه) به «قاهره» فرستاد. وی پس از دریافت و تشکر از چنان هدیه‌ای گرانبها و ستایش فراوان در پاسخ نوشت: «این از بدبختی ماست که تاکنون بر این اثر

۱. همان، ص ۱۳ مقدمه.

۲. همان، ص ۳۷ مقدمه، و ر. ک: مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، (قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام)، ص ۲۷۰ - ۲۷۱.

۳. منابع الموده، (همان)، ص ۵۹۹ - ۶۳۰.

مقتضای زمانهای مختلف و احوال گوناگون دعا‌هایی بیان شده است، برخی دعا‌های آن سالی یکبار، همچون دعای عرفه و وداع ماه رمضان، و برخی هر ماه یکبار، مانند دعای دیدن هلال، و برخی در هفته و برخی برای هر شبانه روز قرار داده شده است.

صحیفه سجاده‌ی مشتمل بر ۵۴ دعا است که فهرست عناوین آن بدین شرح است:

۱. ستایش خداوند که با کلمه «حمد» شروع و با کلمه «حمید» پایان می‌یابد.

۲. درود بر محمد و خاندان او.

۳. درود و صلوات بر فرشتگان

نگه دارنده‌ی عرش و سایر فرشتگان مقرب، همچون اسرافیل، میکائیل، جبرئیل، روح، ملک الموت، منکر، نکیر و ...

۴. درود و صلوات و درخواست

رحمت برای پیروان و ایمان آورندگان به پیامبران.

۱. مقدمه آیت الله مرعشی بر صحیفه، (همان)، ص ۴۳-۴۵.

می‌باشند...»، آنگاه درباره امام سجاد علیه السلام می‌گوید: «علی بن الحسین زین العابدین در املاء و انشاء و کیفیت سخن گفتن و خطاب و عرض حاجت به پیشگاه الهی بر مسلمین حق تعلیم دارد؛ زیرا اگر آن حضرت نبود، مسلمانان آیین سخن گفتن و عرض حوائج خود را به خدای متعال نمی‌دانستند؛ لذا آن امام به مردم آموخت که هنگام استغفار چگونه با خدا سخن بگویند و در موقع درخواست باران رحمت با چه زبانی از خداوند نزول باران بخواهند، و زمان ترس از دشمن چگونه به خدا پناه برده، دفع شر دشمنان را بخواهند...»^۱

(و) مروری بر دعا‌های صحیفه

صحیفه سجاده تنها شامل راز و نیاز با خدا و بیان حاجت در پیشگاه وی نیست، بلکه دریایی بیکران از علوم و معارف اسلامی است که طی آن مسائل عقیدتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و پاره‌ای از قوانین طبیعی و احکام شرعی در قالب دعا مطرح و بیان شده است.

در بخش ارتباط با خداوند طبق

۵. دعای حضرت برای خود و دوستانش.
۶. دعا هنگام صبح و شام.
۷. دعا هنگامی که پیشامدها و حوادث مهمی پیش آید و نیز به هنگام غم و اندوه.
۸. پناه بردن به خداوند از ناپسندیها، بدی اخلاق و کردارهای زشت و نکوهیده.
۹. در اشتیاق به درخواست آمرزش از خداوند.
۱۰. پناه بردن به درگاه خداوند.
۱۱. درخواست عاقبت به خیری.
۱۲. اقرار به گناه و درخواست توبه و بازگشت.
۱۳. درخواست حوائج از خداوند.
۱۴. هنگامی که انسان ستمی می بیند و یا از ستمکاران کار ناخوشایندی می بیند.
۱۵. هنگام بیماری، اندوه و گرفتاری.
۱۶. درخواست عفو از گناهان و عیبه.
۱۷. درخواست دفع شر شیطان و
- پناه بردن به خداوند از دشمنی و مکر او.
۱۸. دعا پس از رفع خطر و برآورده شدن سریع حاجت.
۱۹. درخواست باران هنگام خشکسالی.
۲۰. درخواست مکارم اخلاق و کردارهای پسندیده از خداوند.
۲۱. دعا هنگام حزن و اندوه.
۲۲. دعا هنگام رنج و سختی و دشواری شدن کارها.
۲۳. دعا هنگام درخواست تندرستی و سپاس بر آن.
۲۴. دعا برای پدر و مادر.
۲۵. دعا درباره فرزندان.
۲۶. همسایگان و دوستان.
۲۷. دعا برای رزمندگان و مرزداران کشور اسلامی.
۲۸. هنگام پناه بردن به خدا.
۲۹. دعا هنگام تنگدستی.
۳۰. کمک خواستن بر پرداخت قرض.
۳۱. توبه و بازگشت به خدا.
۳۲. دعا بعد از نماز شب.
۳۳. درخواست خیر و نیکی.

۳۴. دعا هنگام گرفتاری به بلا و یا قربان.
۳۵. خشنودی از خداوند هنگام دیدن دنیا داران.
۳۶. دعا هنگامی که مبتلا به گناهی را می بیند.
۳۷. اعتراف به ناتوانی از ادای شکر الهی.
۳۸. دعای عذر خواهی از کوتاهی در ادای حقوق بندگان.
۳۹. درخواست عفو و رحمت الهی.
۴۰. دعا هنگام مرگ دیگران و یاد مرگ.
۴۱. درخواست پرده پوشی و نگه داری از گناه.
۴۲. هنگام ختم قرآن.
۴۳. هنگام دیدن هلال ماه.
۴۴. دعای اول رمضان.
۴۵. دعای وداع ماه رمضان.
۴۶. دعای روز عید فطر و جمعه.
۴۷. دعای روز عرفه (نهم ذی حجه).
۴۸. دعای روز جمعه و روز عید قربان.
۴۹. دعا برای دفع مکر و شرّ شیطان.
۵۰. ترس عاقلان از خدا.
۵۱. تضرّع و زاری در پیشگاه الهی.
۵۲. اصرار به درخواست از خدای متعال.
۵۳. در مقام کوچکی در پیشگاه الهی.
۵۴. دعا برای دور شدن اندوهها.
- ح) نمی از یم صحیفه
- اشاره شد که صحیفه تنها شامل راز و نیاز... نیست، بلکه ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و عقیدتی نیز دارد. حضرت در ضمن دعاها، مباحث سیاسی بویژه مسئله «امامت» و رهبری جامعه اسلامی را مطرح کرده که به نمونه هایی از آن اشاره می شود:
۱. امام سجاده علیه السلام در دعای بیستم (دعای مکارم الاخلاق) چنین می گوید:
- «خدایا! بر محمد و آل او درود بفرست و مرا بر آنکه بر من ستم روا دارد، دستی (نیروی) و بر آنکه با من ستیزه

جوید، زبانی [و برهانی] و بر کسی که با من دشمنی و عناد ورزد، پیروزی عطا کن، و در برابر آن کس که نسبت به من، به حيله گری و بد اندیشی پردازد راه و تدبیر و در برابر کسی که بر من آزار رساند، نیرو عنایت کن و در برابر عیب جوئی که بر من عیب جوئی و ناسزاگویی می کند، توان تکذیب [و رد سخنان آنها] و در برابر خطر تهدید دشمنان، به من امنیت عطا فرما...»^۱

در واقع، این بخش از دعا شکوائیه ای است از حضرت در برابر زورگوییهای حکومت و کارگزاران عبدالملک؛ نظیر «هشام بن اسماعیل مخزومی» حاکم مدینه، و از این جهت بار سیاسی دارد.

۲. در دعای چهل و هشتم که مربوط به عید قربان و روز جمعه است، چنین می خوانیم:

«خدایا! این مقام [خلافت و رهبری امت که اقامه نماز جمعه و عید و ایراد خطبه از شئون آن است] مخصوص جانشینان و برگزیدگان تو، و این پایگاهها، از آن امنای تو است، که آنان را در رتبه بالایی قرار داده ای، ولی ستمگران [همچون خلفای اموی] آن را به زور، غصب و تصاحب کرده اند... تا آنجا که

برگزیدگان و خلفای تو مغلوب و مقهور [و مجبور به سکوت] گشته اند، در حالی که می بینند احکام تو تغییر یافته، کتاب تو از صحنه عمل دور افتاده، فرائض و واجبات دستخوش تحریف گشته، و سنت (و راه و رسم) پیامبرت متروک گشته است. خدایا! دشمنان بندگان برگزیده ات از اولین و آخرین و همچنین اتباع و پیروانشان و همه کسانی را که به کارهای آنان راضی هستند، لعنت کن و از رحمت خود دور ساز...»^۲

در این دعا امام سجاد علیه السلام با صراحت از مسئله امامت و رهبری امت که اختصاص به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام دارد و غصب شدن آن توسط ستمگران یاد می کند و بدین ترتیب، مشروعیت حکومت بنی امیه و حتی خلفای اول را نفی می کند.

۳. در دعای عرفه (دعای چهل و هفتم) چنین می گوید: «پروردگارا! درود فرست به پاک ترین افراد خاندان پیامبر که آنان را برای رهبری امت و اجرای اوامر خود برگزیده ای و آنان را خزانه داران علمت، نگهبانان دینت، جانشینان خود در

۱. صحیفه سجاده، (همان)، ص ۱۰۲-۱۰۳.

۲. همان، ص ۲۸۱-۲۸۲.

دعای آن حضرت برای مرزداران و هشدارهایی که بیان می‌فرماید، قرار می‌دهیم:

۴. در دعای بیست و هفتم چنین آمده:

«خدایا! بر محمد و آلش درود [و رحمت] فرست و مرزهای مسلمانان را به عزت خویش نفوذناپذیر گردان و مرزداران را با قدرت خویش تقویت فرما و عطایای آنها را از [خزانة] توانگری خود سرشار ساز.

بارالها! بر محمد و آل محمد درود فرست و عدۀ [مرزداران] را افزون نموده، اسلحة آنها را بزآن، حوزہ‌های آنان را حراست نمای و نقاط حساس جبهہ‌های آنان را محکم کن و در بین آنها الفت [و همکاری] قرار ده و کارشان را به خوبی روبه راه کن... و مشکلاتشان را با نصرت خویش حل نموده، با پایداری و صبر تقویتشان کن، و چاره جویبهای دقیق [به ایشان برای مقابله با دشمن] بیاموز... و هنگام برخورد با دشمن فکر دنیای فریبده را از یادشان ببر و اندیشه ثروت اندوزی و جمع مال را از دل‌های آنها بزدا... و با عشق به آخرت و بهشت دمسازشان کن...»^۱

زمین، و حجت‌های خویش بر بندگان قرار داده‌ای، و به خواست خود، آنان را از هر گونه پلیدی یکباره پاک کرده‌ای و آنان را وسیله ارتباط با خود و راه بهشت خویش قرار داده‌ای... خدایا! تو در هر زمان دین خود را به وسیله امامی تأیید فرموده‌ای که او را برای بندگان رهبر و پرچمدار، و در جهان گیتی مشعل هدایت قرار داده‌ای، پس از آنکه او را با ارتباط غیبی، با خود مرتبط ساخته‌ای و او را وسیله خشنودی خود قرار داده‌ای و پیروی از او را واجب کرده‌ای، و از نافرمانی او بیم داده‌ای، و به اطاعت از او امر و پذیرش نهی او دستور داده‌ای، و مقرر داشته‌ای که هیچ کس از او سبقت نگیرد، و هیچ کس از پیروی او واپس نماند [و سرپیچی ننماید]...»^۱

حضرت در این دعا با بیان نقش و موقعیت ویژه رهبران الهی و امامان از خاندان نبوت و امتیازهای آنان با دقت تمام مشروعیت حکومت زمامداران وقت را نشانه رفته و نشان داده است که مشروعیت حکومت با انتخاب الهی به دست می‌آید، نه از طریق زور و قدرت و نه حتی از راه جمع آوری آرای مردم.

حسن ختام کلام را گوشه‌هایی از

۱. همان، ص ۲۵۴-۲۵۶.

۲. همان، ص ۴۰-۴۱، دعای ۴۱.